

اعظم خاتم

# دهه‌های ایران و نگاه سازمان جامعه‌شناسی به رفاه اجتماعی

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دهه چهل شمسی آغاز دوران مهمی در تحولات زندگی شهری و نضج طبقه متوسط جدید در ایران محسوب می‌شود که در مطالعات مربوط به این دوره کمتر مورد توجه قرار گرفته است. البته تحولات مهم اقتصادی این دوره نظیر اصلاحات ارضی و رشد صنعتی و خدماتی ناشی از افزایش درآمد نفت توجه بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی و تاریخی را به خود جلب کرده است، اما پیامدهای اجتماعی ناشی از این تغییرات که در گسترش جمعیت شهری، تغییر کیفی ساختار و گروه‌بندی‌های اجتماعی و شیوه زندگی شهری نمایان شد صرف‌نظر از تفسیرهای ساده شده‌ای که از پیدایش جامعه مصرفی در ایران ارائه شده، از وجوه دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این میان پیشرفت اجتماعی حاصل از این تحولات که به صورت ارتقاء سطح زندگی، آموزش و بهداشت و تبدیل گروه کوچک نخبگان فنی به نیروی عظیم تخصصی کشور متحقق شد، بیش از همه مورد

بی‌اعتنایی قرار گرفته است. یکی از دلایل این بی‌اعتنایی، ناسازگاری این رویداد با نظریه‌هایی است که با تکیه بر موانع و تناقضات رشد سرمایه داری و مدرنیزاسیون حکومتی در ایران دهه چهل و پنجاه شمسی را از نظر توسعه اجتماعی - اقتصادی دوره ای بر باد رفته تلقی می‌کنند.

هنوز هم تفسیرهای مخدوشی از تحول شاخص‌های فقر و سطح زندگی و سیاست‌های اجتماعی در حوزه رفاه و دیگر حوزه‌های اجتماعی، در این دوره ارائه می‌شود و این امر یادآور رویکرد انفعالی و تدافعی نیروهای دمکراتیک چون جبهه ملی دوم با اوضاع پیچیده سیاسی و برنامه اصلاحی دولت امینی و رژیم شاه در آغاز دهه چهل است. این انفعال در فضای نمایش‌های مدعیانه رژیم در زمینه توسعه کشور در دهه پنجاه و در محیط پر اختناق و قطبی شده آن زمان به موضع تهاجمی روشنفکرانی مبدل شد که با نقد پیامدهای اصلاحات ارضی و توسعه متکی بر نفت، عجولانه نظریه‌هایی در باب «فروپاشی کشاورزی»، «شهرنشینی شتابان» بدون پشتوانه صنعتی و «طبقه متوسط مقلد و مصرف‌کننده» تدوین کردند.

هدف این مقاله نگاهی است به برخی تحولات اجتماعی جامعه شهری طی این دوره که در چارچوب‌های نظری فوق به دلیل ناسازگاری درونی یا مورد غفلت قرار گرفته یا به کلی روایتی نادرست از آنها ارائه شده است. یکی از زمینه‌های مبالغه و نظریه‌سازی درباره ویژگی‌های توسعه شهرنشینی ایران طی دهه چهل و پنجاه و اقبال نظریه‌های «توسعه وابسته» و «استبداد نفتی»، کم توجهی به شباهت‌های عمومی فرایند توسعه طی دوره‌های مختلف در نیمه اول این قرن در ایران است، دوره‌ای که در بخش عمده آن جامعه ایرانی به هر دلیل به توسعه آمرانه تن داده است. از این رو در بررسی حاضر، ابتدا فرایندهای اصلی تحولات شهری از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ مورد توجه قرار می‌گیرد.

### شهرنشینی در دوره اول نوسازی و اقتدار

در اوایل دهه ۱۳۰۰، زمانی که رضاخان به قدرت می‌رسید، ایران کشوری روستائین بود که تنها ۱۱ درصد جمعیت آن در شهرها سکونت داشت. درباره طبقات اصلی جمعیت شهری در این دوره اطلاعات یکپارچه و دقیقی در دست نیست، تنها «احصائیه نفوس تهران» در سال ۱۳۰۱، آمار از سهم گروه‌های مختلف اجتماعی در شهر تهران به دست می‌دهد که قابل تعمیم به شهرهای دیگر نیست. براساس این آمارگیری، در بزرگترین شهر کشور با جمعیت ۲۱۰ هزار نفر که پایتخت و محل استقرار تشکیلات حکومتی و تأسیسات مدنی جدید بود، اقشار نوظهور طبقه متوسط شامل افراد تحصیل کرده شاغل در نهادهای جدید اداری، نظامی و خدمات اجتماعی به همراه شاغلان

فنی - تخصصی صنایع، کمتر از ۱۴ درصد سرپرستان خانوار را تشکیل می‌دادند. عمده جمعیت شهر از کسبه، بازرگانان، استادکاران و مشاغل آزاد تشکیل می‌شد (۶۱ درصد شاغلان شهر) و اقبال محروم و کم درآمد شهر شامل پیشه‌وران، شاگردان، کسبه خرد و آنچه این آمارگیری، آنها را «مشاغل بی‌حاصل» خوانده، جمعاً حدود ۲۱ درصد سرپرستان خانوار در محلات مختلف شهر را در بر داشتند.<sup>۱</sup>

میزان رشد جمعیت کشور طی دو دهه اول این قرن بین ۱.۲ تا ۱.۴ درصد در سال برآورد شده است.<sup>۲</sup> جمعیت شهری در این فاصله از حدود ۱.۳ میلیون نفر به ۳ میلیون نفر (از ۱۱ درصد به ۲۱.۳ درصد جمعیت کشور) افزایش یافته است (جدول ۱).

جدول ۱- میزان رشد جمعیت شهری و تمرکز آن در تهران ۵۵-۱۳۰۰

سال	جمعیت شهری (هزار نفر)	میزان شهرنشینی %	میزان رشد شهری %	میزان رشد طبیعی شهری %	جمعیت تهران (هزار نفر)	سهم جمعیت تهران %
۱۳۰۰ <sup>۱</sup>	۱۲۷۷	۱۱.۰	—	—	۲۱۰	۱۶.۴
۱۳۲۰ <sup>۲</sup>	۳۰۵۵	۲۱.۳	۴.۵	—	۵۴۰	۱۷.۶
۱۳۳۵ <sup>۳</sup>	۵۹۵۳	۳۱.۴	۴.۵	—	۱۵۸۴	۲۶.۶
۱۳۴۵	۹۷۹۴	۳۹.۱	۵.۱	—	۲۷۱۹	۲۷.۸
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴	۴۷.۰	۴.۸	۳.۲ <sup>۴</sup>	۴۵۳۰	۲۶.۱

- ۱- جمعیت شهرنشین سال ۱۳۰۰ از این منبع استخراج شده است: حبیب‌الله زنجانی و دیگران، ۱۳۵۰، صفحه ۱۶۵
- ۲- برآورد سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰-۱۳۱۸ به نقل از زنجانی، ۱۳۷۰، صفحه ۱۰
- ۳- مآخذ اطلاعات مربوط به سال‌های ۵۵-۱۳۳۵ سرشماری عمومی نفوس و مسکن است.
- ۴- نتایج اندازه‌گیری رشد جمعیت در ایران (ارچ)
- ۵- برای میزان رشد طبیعی جمعیت شهری طی سال‌های قبل از دهه پنجاه ارقام دقیقی در دست نداریم.

براساس اطلاعات موجود، میزان رشد سالانه جمعیت شهری در این دوره ۴.۵٪ در سال بوده است که آغاز شهرنشینی دوره مدرن ایران را مشخص می‌کند. با توجه به آن که ۸۰ درصد تولید داخلی طی این دوره به بخش کشاورزی تعلق داشت، در واقع گسترش نقش اداری و تجاری شهرها،

موجبات اصلی توسعه آنها را فراهم کرده بود و نقش تولیدی آنها جنبه فرعی داشت. مهم‌ترین پروژه‌های مدرنیزاسیون طی سال‌های حکومت رضا شاه شامل استقرار و توسعه زیرساخت‌ها و شبکه ارتباطی، توسعه محدود صنایع جدید و استقرار تشکیلات اداری مدرن، صرفنظر از یکپارچه ساختن بازارهای کشور و گسترش شبکه شهری آن، بیشتر بر توسعه شهرهای بزرگ به ویژه تهران موثر افتاد. گرایش‌های تمرکزگرا و نقش دولت در توسعه اقتصادی موجب شد سهم جمعیت تهران از جمعیت شهری کشور در فاصله این دو دهه از حدود ۱۶ درصد به ۱۷.۷ درصد افزایش یابد. (جدول ۱). در سال ۱۳۱۸ نسبت جمعیت دومین شهر کشور (تبریز) به نخستین شهر آن (تهران) حدود ۰/۴ بود، در حالی که ۳۹ سال قبل (در ۱۲۷۹ شمسی) این دو شهر جمعیتی برابر داشتند.<sup>۲</sup>

میزان رشد جمعیت شهری طی این دوره نشان می‌دهد که مهاجرت‌های روستا - شهری در ابعاد تازه‌ای آغاز شده و بخشی از مازاد جمعیت روستایی که در نتیجه بهبود وضع بهداشت و کاهش مرگ و میر رو به افزایش بود، به شهرها مهاجرت کرده‌اند. این امر موجب تغییر قابل ملاحظه نسبت‌های شهرنشینی و روستائینشی طی این دوره شده است (میزان شهرنشینی از حدود ۱۱ درصد به ۲۱،۳ درصد رسیده است). رشد بالای جمعیت شهری طی این دوره باید سرآغاز تحول مهمی در تغییر الگوی استقرار جمعیت در کشور و اهمیت یافتن شهر در حیات اجتماعی آن تلقی شود. از میزان رشد جمعیت شهری در سال‌های قبل از ۱۳۰۰ اطلاع دقیقی در دست نیست اما می‌توان تصور کرد که این میزان اندکی بیش از رشد طبیعی جمعیت کشور (بین ۱،۲ تا ۱،۴ درصد) بوده است.<sup>۴</sup>



بر دو ویژگی مذکور در روند شهرنشینی کشور طی دوره رضا شاه یعنی رشد بالای جمعیت شهری در نتیجه افزایش رشد طبیعی و مهاجرت‌های روستا - شهری و همچنین افزایش تمرکز در شبکه شهری کشور، می‌توان خصلت‌های عمومی دایره بر مداخله دولت در تنظیم شیوه زندگی شهری و مناسبات شهروندی را اضافه نمود که با تاسیس بلدیه سوم در تهران آغاز می‌شود.<sup>۵</sup>

در بررسی تحول ساختار اجتماعی جمعیت شهری در دوره رضاشاه با دو پدیده رشد اقشار کارگری و طبقه متوسط شهری مواجه هستیم: توسعه صنایع دولتی محرک رشد نیروی کار صنعتی است. فوران به رشد سهم طبقه کارگر از ۳ به حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور و کاهش مشابهی در سهم بی‌سهمه و ران اشاره می‌کند.<sup>۶</sup>

اصلاحات انجام شده در سه حوزه آموزش، نظام حقوقی و بهداشت و درمان، موجب رشد اقشار متوسط متخصص و دیوانسالار شد. این اقشار با بورژوازی قدیمی که بازرگانان، تجار و صاحبان صنایع آن را شامل می‌شد، متفاوت بودند. برای عضویت در اقشار متوسط جدید برخورداری از آموزش نظام جدید که به کسب تخصص در زمینه‌های فنی، فرهنگی و اداری منجر می‌شد، ضرورت داشت و البته معدودی از افراد این گروه این تخصص را در غرب فراگرفته بودند.

قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷) الزامات ورود و معیارهای ارتقاء و بهره‌مندی از مزایای بازنشستگی و غیره را برای کارکنان دولت براساس مدل‌های غربی قرار داد.<sup>۷</sup> توسعه سرمایه داری دولتی و تشکیلات متمرکز اداری طی این دوره، نه تنها بر تعداد کارمندان دولت افزود، بلکه منزلت اجتماعی آنان را نیز ارتقاء داد. دانشجویانی که از سال ۱۳۰۷ به بعد به خارج فرستاده شدند، در بازگشت، هسته متخصصان در طبقه متوسط جدید را تشکیل دادند.

اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه، دوره‌ای از فترت و رکود اقتصادی - اجتماعی به همراه آورد که هم در تجارت خارجی (به صورت رکود صادرات محصولات کشاورزی چون پنبه) مشهود بود و هم در کاهش رشد صنعتی و تجارت داخلی. میزان مهاجرت به شهرها، در نتیجه رکود اقتصادی و بی‌ثباتی‌های موجود کاهش یافت. میزان رشد جمعیت شهری طی دوره ۳۵ - ۱۳۲۰ حدود ۴٫۵ درصد سال بوده که گر چه مشابه با رشد دوره قبل به نظر می‌رسد اما با توجه به افزایش میزان رشد طبیعی جمعیت کشور از حدود ۱٫۲ درصد در دوره قبل به حدود ۲٫۲ درصد در دوره اخیر، می‌توان پذیرفت که مهاجرت سهم کمتری در رشد جمعیت شهری در این دوره داشته است. علیرغم این که این دوره از نظر اقتصادی دوره فترت محسوب می‌شود، جامعه ایرانی شهرنشین‌تر شده بود و در پایان دوره، نزدیک به یک سوم جمعیت در شهرها سکونت داشتند. به طور کلی در فاصله ۳۵ - ۱۳۰۰ با پیدایش و توسعه شهرهای نفتی در منطقه خوزستان

(آبادان، آغاچاری، اهواز، بندر بوشهر، بهبهان و مسجد سلیمان) و رشد آبادی‌های بزرگ و نقاط مرکزی در مناطق مختلف کشور، و تبدیل آنها به شهر، تعداد شهرهای کشور طی سی و پنج سال از ۱۰۰ شهر به ۱۸۶ شهر رسید.<sup>۸</sup> به این ترتیب سه ویژگی عمده شهرنشینی ایران طی سه دهه نخست اول این قرن، عبارتند از اهمیت سهم مهاجرت در رشد جمعیت شهری، تمرکز بیشتر جمعیت شهری در پایتخت و گسترش شبکه شهری (تعداد شهرها) در مناطق مختلف کشور. همان‌طور که خواهیم دید این ویژگی‌ها بعدها تنها به «شهرنشینی شتابان» متکی بر نفت نسبت داده شد. قابل توجه است که در سال‌های آخر این دوره که با بحران‌های اجتماعی گسترده، جنبش ملی کردن صنعت نفت و سپس کودتا همراه است و دوره رکود اقتصادی محسوب می‌شود، شهر تهران یکی از بالاترین میزان‌های رشد جمعیت خود را داراست و در سال ۱۳۳۵ سهم تهران از جمعیت شهری کشور به بیش از ۲۶ درصد رسیده است.

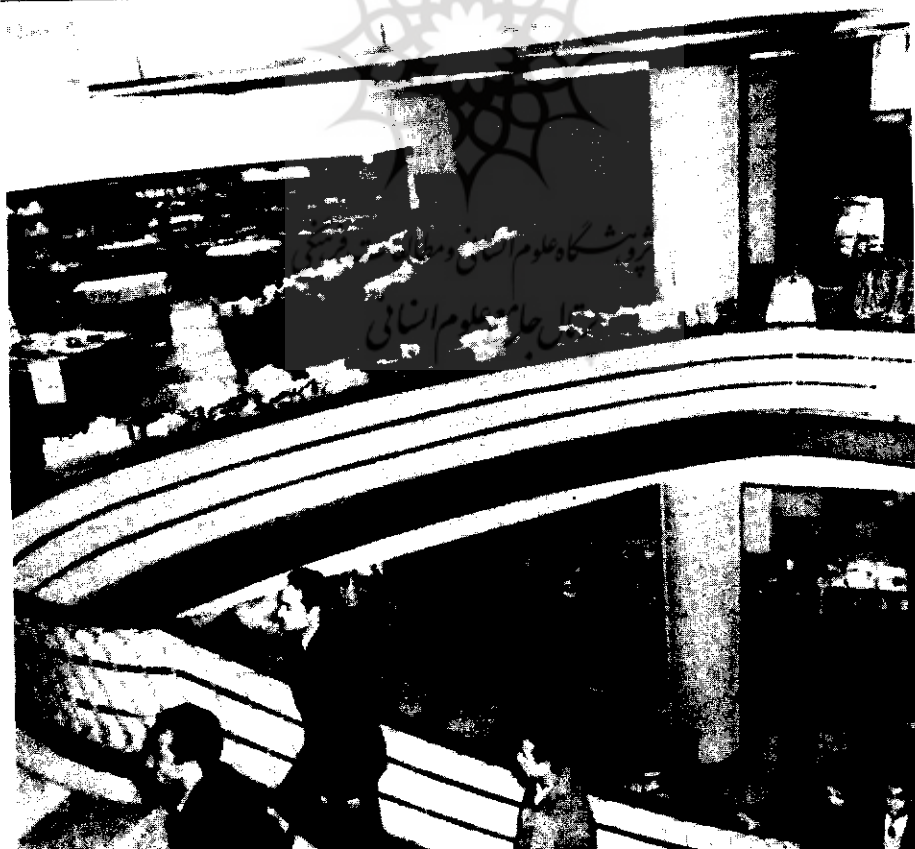
براساس نتایج اولین سرشماری عمومی کشور در نیمه دهه سی، طبقه متوسط جدید کمتر از یک هفتم شاغلان شهری کشور را تشکیل می‌داد که اکثریت قریب به اتفاق آن کارکنان دولت در فعالیت‌های علمی و تخصصی، فرهنگیان، کارمندان و کادر نیروهای مسلح بودند. (جدول ۲) مسیر رشد طبقه متوسط در ایران به کلی از مسیر رشد این طبقه در کشورهای غربی متفاوت بود. بلمین در تحلیل عوامل نضج طبقه متوسط در آمریکا طی قرن نوزدهم، به تأثیرات صنعتی شدن بر تفکیک کار یدی از غیر یدی، تخصصی شدن فزاینده دومی و گسترش مشاغل جدید غیر یدی در فرایند تبدیل تولید پیشه‌وری به تولید صنعتی اشاره می‌کند.<sup>۹</sup> در حالی که در ایران، گسترش مداخله دولت در بخش‌های مختلف، از جمله نهادهای عرضه‌کننده خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت، نظام برنامه‌ریزی دولتی (با تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۸) نظام نوین اداری و گسترش قوه قهریه از عوامل عمده نضج طبقه متوسط جدید در کشور ما بود. مشارکت این گروه‌ها در ایجاد نهادهای مدرن و سهمی که در نوسازی جامعه داشتند، همراه با آرای نو و آرزوی ترقی و بهره‌مندی شخصی از مزایای زندگی تازه شهری، وجه تشابه گروه‌های مختلف وابسته به طبقه متوسط جدید است، که تا حدی شخصیت مشترک فرهنگی و اجتماعی آنها را در مقابل طبقه متوسط سنتی که منزلت خود را از دست می‌داد، رقم می‌زد.

### شهرنشینی در دوره دوم نوسازی آمرانه

در بررسی تحولات جامعه شهری در دهه چهل و پنجاه شمسی عموماً به چند ویژگی عمده اشاره می‌شود: مفهوم شهرنشینی شتابان برای توصیف افزایش رشد جمعیت شهری نسبت به دوره قبل، به

کار گرفته می‌شود و این امر معلول فروپاشی اقتصاد کشاورزی و زندگی روستایی پس از اصلاحات ارضی و اتکاء شهرنشینی به درآمد نفت به جای مازاد تولید کشاورزی محسوب می‌گردد.<sup>۱۰</sup> دوم گسیختگی انتظام پیشین در شبکه شهری کشور و رشد پدیده بزرگ سری (ماکروسفالی) که گویا در رشد پایتخت بازتاب یافت، مورد تأکید قرار می‌گیرد و این نیز به نوبه خود محصول نقشی است که تهران به عنوان محل تلاقی اقتصاد ملی با نظام اقتصاد بین‌المللی و خروج مازاد اقتصادی کشور از آن برخوردار است. سوم، رشد «نامناسب» بخش خدمات در قیاس با رشد فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی است که طبقه متوسط جدید مولود آن است.<sup>۱۱</sup> چهارم، تغییر الگوی‌های مصرف است در نتیجه افزایش واردات کالاهای خارجی و رشد صنایع مصرفی داخلی. ظاهراً اشاعه الگوهای مصرف و فرهنگ غربی در میان طبقه متوسط هم علت و هم معلول تحول الگوهای مصرف به طور کلی و تغییر ساختار تولیدی کشور به شمار می‌آید.<sup>۱۲</sup>

با توجه به این نکات به وجود دو دوره متفاوت در شهرنشینی معاصر ایران اشاره می‌شود و سال‌های قبل از دهه چهل با خصلت شهرنشینی بطئی و سال‌های پس از آن با خصوصیت شهرنشینی شتابان متمایز می‌گردد.<sup>۱۳</sup>



ابتدا این نظریه را از نظر صحت مبانی آن در تشخیص خصوصیات ویژه و تمایز بخش به تحولات شهری دهه چهل مورد بازبینی قرار می‌دهیم و عدم دقت ویژگی‌های منتسب به این دوره را هم از لحاظ تاکید بر افزایش نرخ رشد جمعیت شهری و هم از نظر مبالغه‌ای که درباره مهاجرت‌های روستایی به عنوان عامل عمده رشد جمعیت شهری، انجام شده نشان خواهیم داد. در عین حال خواهیم دید که برخلاف تصورات رایج «شهرنشینی متکی بر درآمد نفت» به رشد مستمر و اجتناب‌ناپذیر تمرکز جمعیت کشور در پایتخت منجر نشده و روند تمرکززدایی که به پشتوانه درآمد نفت و مداخله دولت در گسترش زیرساخت‌های اقتصادی از اواخر دهه چهل آغاز گردید، تأثیرات خود را در نیمه دهه پنجاه در کاهش هر چند محدود سهم تهران از جمعیت شهری کشور نمایان ساخت. (توفیقی که کشورهای فاقد ثروت‌های طبیعی چون نفت، علیرغم تلاش برای تمرکززدایی به این اندازه بدان دست نیافتند).

درباره رشد طبقه متوسط در جمعیت شهری این دوره نیز به نکاتی اشاره می‌کنیم که پیامدهای اجتماعی آن حائز اهمیت بوده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

همان طور که اشاره شد میزان رشد جمعیت شهری طی سال‌های ۳۵-۱۳۰۰ به طور متوسط حدود ۴٫۵ درصد در سال برآورد می‌شود که در دو دهه اول مهاجرت‌های روستایی سهم بیشتری در تحقق این رشد داشته‌اند. در حالی که در دوره بعد به دلیل فترت اقتصادی ناشی از اشغال ایران و توقف برنامه‌های توسعه دولتی و بحران‌های اجتماعی، مهاجرت‌های روستایی کاهش یافته است. عوامل فوق البته مانع بهبود رشد طبیعی جمعیت در نتیجه کاهش مرگ و میر نبوده است. میزان رشد جمعیت شهری کشور طی سال‌های ۴۵-۱۳۳۵ و ۵۵-۱۳۴۵ به ترتیب سالیانه ۵٫۱ درصد و ۴٫۸ درصد بوده که کمی بالاتر از رشد دو دوره قبل است، (۴٫۵ درصد). همان طور که مشاهده می‌شود تغییر میزان رشد جمعیت نسبت به گذشته قابل توجه نیست. براساس بررسی‌های موجود حدود یک سوم رشد جمعیت شهری کشور در دهه ۵۵-۱۳۴۵ ناشی از مهاجرت بوده است و بقیه این رشد محصول افزایش طبیعی جمعیت و سهم نقاط روستایی تبدیل شده به شهر است.<sup>۱۴</sup> در شرایطی که توجه تحلیل‌گران شهری و اقتصادی به موضوع مهاجرت به عنوان عامل اصلی افزایش جمعیت شهری معطوف گشت، افزایش طبیعی جمعیت شهری که ناشی از کاهش مرگ و میر و نایب ماندن مولید شهری بود، مورد غفلت قرار گرفت. پیشداوری‌های نظری در این بزرگنمایی بی‌تأثیر نبود. در نظریه وابستگی و تفسیری که از شهرنشینی شتابان ارائه می‌داد، فروپاشی ناشی از اصلاحات ارضی در دهه چهل و افزایش درآمد نفت از حدود ۱۲ درصد به بیش از یک چهارم تولید ناخالص ملی طی سال‌های ۵۰-۱۳۴۲ دو عامل اصلی گذار از شهرنشینی آرام و متکی بر مازاد



کشاورزی با مهاجرت‌های محدود (در دوره قبل از دهه چهل) به شهرنشینی شتابان متکی بر مازاد نفت شمرده می‌شدند.<sup>۱۵</sup>

آنچه در کشورهای نظیر ایران موجب رشد «بی‌سابقه» جمعیت شهری یا شهرنشینی شتابان در مقایسه با مدل‌های غربی است، عدم تغییر میزان مولید شهری در شرایط کاهش شدید مرگ و میر است. در غرب کاهش این دو عامل کم و بیش موازی یا یکدیگر و در طول زمان نسبتاً طولانی‌تری روی داده است. در حالی که در ایران در نتیجه انتقال دانش پزشکی و ورود دارو و تجهیزات با بهبود نسبتاً سریع وضعیت بهداشت در شهرها مواجه هستیم که پیامد آن به صورت کنترل بیماری‌های واگیر و مرگ و میر نوزادان طی یک دوره چهل ساله (۵۰-۱۳۱۰) نمایان می‌شود و میزان مرگ و میر از حدود ۳۲ در هزار به ۱۳ در هزار کاهش می‌یابد. طی همین دوره میزان مولید تغییر محسوسی نمی‌کند و تنها از ۴۰۰۶ به ۴۰۰۱ در هزار کاهش می‌یابد.<sup>۱۶</sup> تغییر میزان مولید به دلیل وابستگی آن به تغییرات فرهنگی عمیق در ساختار خانواده و موقعیت زنان نیازمند زمان و بستر سازی‌های بیشتری است به عنوان مثال، مشاهده کردیم در سال‌های انقلاب، اندک دستاوردهای به دست آمده در زمینه کاهش باروری زنان در سال‌های پیش از انقلاب، با ایجاد شکاف و تردید در باورهای تجددخواهی در سال‌های انقلاب از میان رفت و میزان مولید شهری مجدداً افزایش یافت.



جدول ۲ - رشد مشاغل اقسار متوسط جدید در مناطق شهری کشور طی ۵۵-۱۳۵۵

گروه بندی مشاغل	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵	
	تعداد مشاغل (هزار نفر)	سهم دولتی %	تعداد مشاغل (هزار نفر)	سهم دولتی %	تعداد مشاغل (هزار نفر)	سهم دولتی %
مشاغل نظامی	۶۷.۶	۶۶	۱۶۲.۵	۷۵	۴۷۱.۶	۷۵
مشاغل فنی و تخصصی	۱۳۴.۲	۸۸	۱۹۷.۴	۶۶	۴۳۱.۸	۶۶
مدیران و کارکنان اداری و دفتری	۴۴.۶	۱۰۰	۱۸۵.۴	۱۰۰	۳۴۲.۰	۱۰۰
جمع	۲۴۶.۴	۸۴	۵۴۵.۳	۷۹	۱۲۴۵.۴	۷۹
درصد از کل اشتغال شهری	۱۳.۶	۱۸.۱	۲۰.۹	۳۴	۳۰.۲	۳۴

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران، گزارش کل کشور رقم مشاغل نظامی در سال ۱۳۵۵ از مطابقت اطلاعات سرشماری با منبع زیر به دست آمده است:

Military Balance (1977) P. 35-6

شهر و طبقه متوسط یکدیگر را می‌سازند

همان طور که پیشتر اشاره شد، تمرکز جمعیت شهری در پایتخت تا سال ۱۳۴۵ روند فزاینده خود را حفظ کرد اما در سال ۱۳۵۵ اندکی کاهش می‌یافت (جدول ۱). فاصله تهران با دومین شهر کشور (این بار مشهد) در سال ۱۳۴۵ حدود ۰.۱۴ است که در طول دهه بعد نیز ثابت می‌ماند و در رتبه‌بندی دو شهر بزرگ کشور تغییری به وجود نمی‌آید.

درباره طبقه متوسط در ایران مطالعه قابل ملاحظه‌ای انجام نشده است. علت این امر علاوه بر مضیق‌های تحقیقاتی بی‌شمار، آن است که برخی از تحلیل‌گران به طور کلی از شناسایی این طبقه

خودداری می‌کنند و آنها را تحت عنوان کارگران خدماتی و بوروکرات‌ها و غیره به طبقات دیگر منتسب می‌سازند.<sup>۱۷</sup> در سال ۱۳۵۸ کتابی به نام طبقه متوسط جدید در ایران با هدف شناخت وضعیت این طبقه تدوین شد که دل‌مشغولی اصلی نویسنده آن مشکلات نظری مربوط به جایگاه طبقه متوسط در نظام‌های طبقاتی بود و علیرغم تحلیل رشد کمی این طبقه در ایران، تحلیلی از رشد کیفی در تحولات شتابان آن دوره ارائه نکرد.

بررسی اطلاعات و آمار سرشماری‌ها طی دو دهه ۵۵-۱۳۳۵ حاکی از رشد قابل توجه سهم افشار متوسط جدید در جمعیت شهری است. همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، تعداد مشاغل علمی - فنی و تخصصی، مدیران و کارمندان اداری و دفتری و مشاغل نظامی که احراز آنها نیازمند تحصیل افراد در نظام آموزشی - فنی جدید بود، از حدود ۲۴۶ هزار نفر به ۱۲۵۴ هزار نفر در مجموع شاغلان شهری افزایش یافته است. (حدود ۵ برابر) طی این مدت سهم مشاغل فوق از حدود ۱۳ درصد به ۳۰ درصد اشتغال شهری بالغ گشت.

قابل ذکر است که روند رشد این مشاغل در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه نیز بسیار قابل ملاحظه است. برای مثال براساس مطالعه‌ای که در شش کشور امریکای لاتین درباره تحول قشربندی شغلی جمعیت شهری انجام شده، سهم کارکنان فکری از حدود ۲۵ درصد طی سه دهه (۸۰-۱۹۵۰) به ۳۶ درصد افزایش یافته است.<sup>۱۸</sup> در واقع طی دو دهه طبقه متوسط جدید در ایران از نظر کمی به سهمی مشابه با کشورهای فوق دست یافت (حدود یک سوم جمعیت شهری) و این امر را باید یکی از تناقضات مهم رژیم شاه و از عوامل ناتوانی و فروپاشی آن در مواجهه با خواسته‌های جدید اجتماعی و فرهنگی دانست.

این اطلاعات نشان می‌دهد که علیرغم رشد تعداد شرکت‌های وابسته به بخش خصوصی در فعالیت‌های خدماتی، صنعتی و بازرگانی که موجب افزایش تعداد حقوق‌بگیران اداری و فنی آنها شده بود، بخش عمده شاغلان طبقه متوسط در طول این دوره همچنان به دولت وابسته بودند. سهم کارکنان دولت در مشاغل افشار متوسط جدید طی دو دهه فوق تنها ۵ درصد کاهش یافت (از ۸۴٪ به ۷۹٪ رسید) اما طی این دوره خصوصیات ویژه نیروی کار طبقه متوسط منسجم‌تر گردید و به ویژه سطح تحصیلات آن بهبود یافت. در حالی که در سال ۱۳۳۵ تنها یک دوازدهم کارکنان دولت دارای تحصیلات متوسطه بودند، در سال ۱۳۴۲ این میزان به حدود یک پنجم رسید<sup>۱۹</sup> و در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۴ درصد نیروی کار خدمات اجتماعی و شخصی دارای تحصیلات عالی و ۳۸ درصد آنها از تحصیلات متوسط برخوردار بودند.

سه بحث عمده درباره طبقه متوسط جدید در ایران مطرح است که بازنگری در آنها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: اول عوامل موثر بر رشد این طبقه طی دهه چهل و پنجاه است. بحث دوم به جایگاه و نقش طبقه متوسط در روند توسعه مرتبط است و تعامل سیاسی این طبقه با سایر نیروهای اجتماعی و حکومت محور سوم را تشکیل می‌دهد. در یک نگاه اجمالی به نظر می‌رسد ارائه خدمات اجتماعی به جمعیت شهری که بر اثر افزایش درآمد نفت تنوع و گستردگی قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد، یکی از عوامل مهم رشد این طبقه بوده باشد. در این میان باید به ویژه به رشد کمی و کیفی نظام آموزشی توجه کرد.

گسترش آموزش موجبات تحرک اجتماعی را در خانوارهای شهری فراهم آورد. بسیاری از فرزندان کسبه، تجار و پیشه‌وران به کمک نظام آموزشی متوسطه و دانشگاهی به مشاغل طبقه متوسط راه یافتند. در فاصله ۴۰-۱۳۳۰ تعداد دانشجویان داخل کشور ۴ برابر (از ۵٫۶ نفر هزار به ۱۹٫۸ هزار) و دانشجویان خارج کشور حدود ۵ برابر شد. (از ۳۴ به ۱۷ هزار نفر رسید).<sup>۲۱</sup> تعداد محصلان در فاصله ۴۷-۱۳۳۵ از کمتر از یک میلیون به ۳٫۶ میلیون نفر رسید.<sup>۲۱</sup> دهه پنجاه دوران تازه‌ای در گسترش نظام آموزش متوسطه و عالی گشود. برخی از تحلیل‌گران این دوره، «توسعه بی‌برنامه آموزش متوسطه» را به عنوان عامل «ایجاد ارتشی از بیکاران دیپلمه و فارغ‌التحصیل» که دولت نمی‌توانست آنها را در فعالیتهای مولد جذب کند، بنابراین جذب بوروکراسی دولتی شدند» مورد انتقاد قرار داده‌اند.<sup>۲۲</sup> اما این انتقادات نه حرفی در مورد کیفیت بوروکراسی دولتی می‌زنند، نه نگاهی به اثرات مثبت توسعه آموزش دارد. شکی نیست که افزایش درآمد نفت موجب رشد خدمات در این دوره شده است اما فهرست تفصیلی مشاغل طبقه متوسط در سال ۱۳۵۵ که اوج رشد مشاغل بوروکراتیک و گسترش نیروهای مسلح بوده است، نشان می‌دهد که ۱۷ درصد این نیرو در کار آموزش و ۲۰ درصد دیگر نیز در مشاغلی چون پزشکی، پرستاری، یا به عنوان مهندس و تکنسین یا معمار و هنرمند به کار اشتغال داشته‌اند. (جدول ۳) اگر سهم دیگر مشاغل وابسته به بخش خصوصی را نیز از این گروه تفکیک نمائیم، (حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد) مجموعه فعالیت‌های دولتی در حمل و نقل، ارتباطات، بیمه و بانک‌ها، خدمات ایمنی، پلیس و نیروهای مسلح حدود ۴۵ درصد شاغلان این طبقه را شامل خواهد شد. (جدول ۳) این تصویر گویای آن است که بخش مهمی از مشاغل طبقه متوسط ناشی از تحول نهادهای جدید و رشد خدمات اجتماعی شهری بود که نشان می‌دهد ارتباط آن با افزایش درآمد نفت نه بی‌واسطه، بلکه به واسطه مصارف اجتماعی آن بوده است.

### جدول ۳ - فهرست تفصیلی مشاغل طبقه متوسط جدید در مناطق شهری کشور

۴۰۱۰۷	- سرپرستان کارمندان دفتری	۳۵۶۴۶	- مدیران و کارمندان عالی رتبه
۶۰۹۰۷	- کارمندان بخش عمومی	۷۱۳۸۸	- معماران، مهندسان و تکنسین‌ها
۳۱۱۷۰	- ماشین‌نویسان و مشابه	۱۰۶۵۲	- مهندسان کشاورزی و سایر متخصصان علوم زیستی
۷۵۹۲۲	- کارمندان حسابداری و مشابه	۶۳۲۶۱	- پزشکان
۳۴۱۲	- روسای حمل و نقل و ارتباطات	۸۱۶۹	- حسابداران
۳۷۹۶۲	- روسای قطار و بلیط فروشان و غیره	۲۱۶۵۷۹	- استادان و معلمان
۱۵۲۹۶	- پستچیان و مشابه	۱۵۹۵۸	- روحانیون و کارکنان امور دینی
۱۵۰۲۷	- تلفن‌چی‌ها و مشابه	۱۷۰۸	- نویسندگان و روزنامه‌نگاران
۱۱۶۳۶۵	- سایر کارمندان دفتری	۱۱۴۶۲	- نقاشان، عکاسان، و سایر هنرمندان
		۳۲۳۹۴	- سایر متخصصان و مشاغل عملی - فنی
		۳۴۲۰۰۰	- کارکنان نیروهای مسلح
۱۲۴۵۳۸۵			جمع

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران

در واقع بر اثر گسترش نظام نوین آموزشی، کشور دارای نیروی کار فنی - تخصصی گسترده‌ای شده بود. همین نیرو بود که بعدها در جریان انقلاب مدعی رهبری و هدایت فنی - تخصصی صنایع و فعالیت‌های خدماتی حتی امور نظامی، مستقل از کارشناسان و مشاوران خارجی گشت. در همین زمینه باید به گستردگی سهم نیروهای مسلح در کارکنان دولت (حدود یک چهارم شاغلانی که در زمره طبقه متوسط محسوب شده‌اند) اشاره کرد. هر چند این رقم، سربازان و افسران وظیفه را نیز در بر می‌گیرد، حضور عنصری را در اقتشار طبقه متوسط نشان می‌دهد که از نظر سیاسی و فرهنگی با گرایش‌ات شدید شاه‌خواهی تربیت یافته بود و شمار آن به سرعت از شمار نیروهای مسلح کشورهای همسایه در می‌گذشت.<sup>۲۳</sup>

این که در الگوی مدرنیزاسیون ایران در این دوره، توسعه سیاسی و فرهنگی جایگاهی نداشته در نحوه رشد طبقه متوسط نیز آشکار است. روشنفکران مستقل از دولت رشد ناچیزی در طول این دو دهه دارند. تنها یک درصد از مجموع نیروی کار طبقه متوسط در آستانه انقلاب در زمره نویسندگان، روزنامه‌نگاران، نقاشان و دیگر هنرمندان قرار داشتند (حدود ۱۳ هزار نفر) و نسبت

روحانیون و کارکنان امور دینی نیز اندکی بیش از این و حدود ۱.۲ درصد بوده که شامل ۱۶ هزار نفر می‌باشد. (جدول شماره ۳)

بدیهی است در میان طبقه متوسط که اکنون به نیروی عظیمی تبدیل شده بود، علیرغم وجوه مشترک بسیاری که به آن در مقابل کل جامعه به ویژه اقشار سنتی وابسته به کسب و تجارت وحدت می‌بخشید، تمایزات آشکار و گروه‌بندی‌های متعدد از نظر اقتصادی و فرهنگی وجود داشت. به عنوان مثال می‌توان به گرایش اشاره کرد که در میان گروهی از طبقه متوسط جدید، برخاسته از خانواده‌های مذهبی و سنتی وجود داشت: جنبش فرهنگی جدیدی برای تلفیق تفکر دینی و تفکر مدرن شکل گرفت که جلوه‌های آن به صورت مختلف از جمله تالیف کتاب‌هایی در رشته‌های مختلف علوم جهت آشتی دین و علم، تاسیس مدارس کم و بیش خودمختار دخترانه و پسرانه مذهبی و تفسیرهای تازه‌ای از رابطه دین و سیاست مشاهده می‌شد. مثال دیگر، رویکرد بخش‌های دیگری از این طبقه بود به الگوهای جدید هویت فرهنگی با مظاهر تمدن غرب یا آنچه از این تمدن در ایران قابل دسترس بود. رواج سبک زندگی متجدد به صورت تلفیقی از توجه به نمادهای مادی منزلت اجتماعی، تغییر نگرش سنتی به نقش زنان در خانواده و اجتماع، کاهش باروری و رشد اشتغال زنان و سرانجام تغییر الگوهای گذران اوقات فراغت افراد، بازتاب می‌یافت، یعنی در واقع تلفیقی از عناصر تجددخواهی چند دهه گذشته با توقعات جدید در زمینه مصرف و رفاه که به سرعت در میان بخش مهمی از طبقه متوسط نضح پیدا می‌کرد. بررسی شکل‌گیری این دو شیوه تفکر و رفتار در میان گروه‌های مختلف طبقه متوسط، نیازمند بررسی‌های گسترده‌تری است اما آنچه تا کنون بیشتر مورد تاکید و حتی مبالغه قرار گرفته، تمایزات کلی طبقه متوسط از سایر گروه‌های اجتماعی است.

بررسی‌های موجود عموماً به شکاف درآمدی برآمده از این تحول بین اقشار متوسط و بخش‌های کارگری و روستایی جامعه اشاره کرده‌اند. و نسبت به تمایزات درونی این طبقه کم توجه بوده‌اند: «روستائیان به نسبت فقیرتر شدند اما بر شمار طبقه متوسط شهری افزوده شد و درآمد و مصرف آن افزایش چشم‌گیر یافت. اعضای این گروه شروع به خرید اقساطی یخچال و تلویزیون و مانند اینها کردند که جملگی از خارج وارد می‌شد... در سال ۴۲ خدمات دولتی یک پنجم کل هزینه‌های خدماتی بود و در سال ۱۳۵۷ مقدار آن تقریباً به یک سوم کل هزینه‌های مزبور رسید... علل دیگری برای تورم عمومی بخش خدمات وجود دارد: درآمدهای بالای متخصصان ماهری که در این بخش اشتغال داشتند و سطح بالای مصرف خدمات لوکس و گران قیمت نظیر هتل‌ها، رستوران‌ها، تحصیلات و خدمات آموزشی و بهداشتی جدید توسط آنها و همگنان‌شان. به طوری کلی بخش خدمات پیوند دهنده عواید نفت، دولت و وابستگان به دولت بود، اشاعه کالاهای مصرفی با

دوام قرار بود طبقات مرفه و تحصیل کرده را ساکت نگهدارد.»<sup>۲۴</sup> همان طور که اشارات فوق نشان می‌دهد انتقاد از الگوی مصرف تجملی طبقه متوسط جایگاه مهمی را در نقد موقعیت اجتماعی این طبقه به خود اختصاص می‌دهد که در مقاله جداگانه‌ای آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتگو ۱۷

## یادداشت‌ها

۱. خاتم، ۱۳۷۶، صفحه ۷۵
۲. زنجانی، ۱۳۷۰، صفحات ۱۵ و ۱۹
۳. توفیق، ۱۳۷۲، صفحه ۴۵
۴. باید توجه داشت که برآوردهای موجود از میزان شهرنشینی در سال‌های قبل از ۱۳۰۰ توسط جهانگردان و مورخین خارجی مبالغه‌آمیز است؛ برای نمونه براساس محاسبات لورینی (۱۸۶۸) شیندلر (۱۸۸۴) و نامپسون (۱۸۶۸) میزان شهرنشینی در طول نیمه دوم قرن دوازدهم شمسی حدود ۲۰ تا ۲۶ درصد جمعیت بوده است. مراجعه کنید به توفیق، ۱۳۷۲، صفحه ۴۲۰
۵. اردکانی، ۲۵۳۷، صفحه ۱۳۴
۶. فوران، ۱۳۷۸، صفحه ۳۶
۷. سیوری، ۱۹۷۸، صفحه ۹۴
۸. باریز، ۱۹۷۱، صفحه ۲۹
۹. بلومین، ۱۹۸۹، صفحه ۶۷
۱۰. حسامیان، ۱۳۶۳، صفحه ۵۳
۱۱. کاتوزیان، ۱۳۶۶، صفحه ۳۳۳
۱۲. برای نمونه نگاه کنید به رزاقی، ۱۳۷۴، صفحات ۶۴ تا ۶۷. کاتوزیان، ۱۳۶۶، صفحه ۲۸۲
۱۳. حسامیان، ۱۳۶۳، صفحه ۲۳
۱۴. علیزاده و کارزونی، ۱۳۶۶، صفحات ۶۹-۶۳
۱۵. نگاه کنید به کاتوزیان، ۱۳۶۶، صفحه ۳۰۳، و حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳، صفحه ۵۸
۱۶. امانی، مهدی، ۱۳۷۵، صفحات ۷۳ و ۸۰
۱۷. برای مثال فوران در کتاب مقاومت شکننده از واژه کارگران خدماتی برای اشاره به طبقه متوسط استفاده می‌کند: «بخش دیگر طبقه کارگر بخش خدمات است. در مجموع تعداد این قبیل کارگران را ۵۱٫۱ تا ۴۰٫۳ میلیون نفر ذکر کرده‌اند که بالاترین رقم آن مربوط به مستخدمان دولت، دانشجویان و صاحبان مشاغل رده بالاست.» صفحه ۴۹۰

۱۸. اولیویرا و رابرتس، ۱۹۹۶، صفحه ۲۷۹. این کشورها شامل آرژانتین، برزیل شیلی، کلمبیا، مکزیک و پرو است.

۱۹. سیروی، ۱۹۷۸، صفحه ۱۲۴

۲۰. اشرف، ۱۹۷۱، صفحه ۳۰۳

۲۱. ادیبی، ۱۳۵۸، صفحه ۸۹

۲۲. کاتوزیان، ۱۳۶۶، صفحه ۲۵۴

۲۳. برای استخراج تعداد شاغلان نیروهای نظامی با توجه به ابهام موجود در گروه‌بندی شغلی سرشماری‌ها در این زمینه، به منابع مختلفی مراجعه شد. نشریه *Military Balance* در سال ۸-۱۹۷۷ تعداد این نیروها را در ایران ۳۴۲ هزار نفر گزارش می‌کند که با ارقام قابل استخراج از سرشماری‌ها مطابقت دارد. ۲۲۰ هزار نفر از این نیرو در ارتش و باقیمانده در سایر نیروهای مسلح ایران اشتغال داشته‌اند. با توجه به مطابقت فوق. اطلاعات مربوط به سرشماری‌ها در مورد کارکنان نیروهای مسلح در سال‌های قبل نیز مورد استفاده قرار گرفت. کنترل در مقاله‌ای که در مجموعه *Iran Under Pahlavis* به چاپ رسیده، تعداد نیروهای مسلح در دهه پنجاه را حدود ۳۰۰ هزار نفر به دست داده که ۶۰ هزار نیروی هوایی، ۱۵ هزار نیروی دریایی و بقیه به نیروهای زمینی و سایر بخش‌های نیروهای مسلح تعلق داشته‌اند. نگاه کنید به:

George Lenczowski: (1978) P 418

۲۴. کاتوزیان، ۱۳۶۶، صفحه ۲۵۴

منابع و ماخذ:

- ۱- ادیبی، حسینی (۱۳۵۸) طبقه متوسط جدید در ایران، انتشارات جامعه تهران.
  - ۲- اشرف، احمد (۱۹۱۷) «ایران، امپریالیسم، طبقه و مدرنیزاسیون از بالا» به نقل از ادیبی ۱۳۵۸، صفحه ۹۱
  - ۳- امانی، مهدی (۱۳۷۵)، کوششی در نگرش تاریخی به روند میزان های مولید و مرگ و شناخت مراحل انتقال جمعیتی در ایران»، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۳ و ۱۴. سازمان ثبت احوال کشور
  - ۴- توفیق، فیروز (۱۳۷۲) «گسترش شتابان شهرنشینی در ایران»، فصلنامه آبادی سال سوم شماره نهم مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری ایران.
  - ۵- رزافی، ابراهیم (۱۳۷۴)، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات شمس.
  - ۶- زنجان، حبیب الله، (۱۳۷۰) جمعیت و شهرنشینی در ایران، جلد اول جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران
- حسامیان، فرخ و گیتی اعتماد و محمدرضا حائری (۱۳۶۳) شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه تهران ۱۳۷۵



خاتم، اعظم (۱۳۷۶)، «قشریندی اجتماعی و تحول محلات تهران، معماری و شهرسازی شماره ۳۶ و ۳۷  
علیزاده محمد و کازرونی کاظم (۱۳۶۵) سیاست‌ها، راهبردها، روند و ابعاد شهرنشینی در ایران، وزارت برنامه و  
بودجه تهران

فوران، جان (۱۳۷۸) مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین  
موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم ۱۳۷۸

کاتوزیان، محمدعلی همایون، (۱۳۶۶) اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا  
نقیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۹

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۶۸) تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

منابع انگلیسی:

1. Bharier, Jolian (1971) *Economic Development in Iran, 1900-10* Oxford University Press.
2. Blumin, Stuart M. (1989) *The Emergence Of The Middle Class: Social Experience on the American City, 1760-1900*, Cambridge University Press.
3. Cottrell, Alrin J. (1978) "Iran's Armed Forces Under The Pahlavi Dynasty", in *Iran Under The Pahlavis*, 1978 ed. by George Lenc Zowski, Hoorer Institution Poblction.
4. Military Balance (1977) I.I.s.s
5. Oliveira and Roberts, (1996) "urban Development and Social Inequality in Latin America", in *urban Transformation of Developing World*, ed, by J.Gugler.
6. Savory, Roger M.(1978), *Social Development in Iran during the Pahlavi Era in Iran Under The Pahlavis*



P. Wandry  
P. Penner